

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۲۹ نومبر ۲۰۱۷

## «سوسیالیزم کارگری» سوسیالیزم انقلابی یا ارتجاعی؟ (۱)

مقدمه

جنبش انقلابی کشور ما در وضعیت مطلوب قرار ندارد. این جنبش که زمانی به حیث گردان پیشتانز و پیشرو نقش چشمگیر در مبارزات توده ای ایفا می کرد، اینک متأسفانه به رخوت رفته و پویائی لازم را از دست داده است. عدم پیوند عمیق و فشرده با توده ها عامل عمده این رخوت و عزلت نشینی چپ ماست. سستی و کرختی چپ بستری برای بیماری های ایدئولوژیک فراهم نموده است. عده ای با بر افراشتن پرچم «کارگران وطن ندارند»، کشور را ترک گفته به زندگی آرام غرب پناه برده اند؛ عده ای در کنار اشغال قرار گرفته و چنان پیکر چپ را با تسلیم طلبی شان مجروح ساخته که التیام آن به زمان و انرژی فراوان نیاز دارد و عده ای هم که از گذشته مبارزاتی خود مأیوس و نومید شده اند، اکنون خیالاتی شده و چیزهای عجیبی عرضه می کنند که نه تنها اندک کمکی به پویائی چپ نمی کند، بلکه چپ را بیش از پیش تنبل و بیکاره می سازد.

در سالهای اخیر، شماری از چپ های کشور که عمدتاً به اروپا پناهنده شده اند، بدون در نظر داشت پراتیک کشور تحت تأثیر سازمان های «حکمتیستی» ایران به بیماری مارکسیزم خیالی و تفننی مبتلا گردیده اند که علایم آن را می توان در بازی و سرگرمی تحت نام «سوسیالیزم کارگری» مشاهده کرد. این بیماری در روشنفکران کتابی، ساری است؛ حتی آنانی که زمانی با آثار پنج جلدی مائوتسه دون تشکلات قبلی شان را به نقد می کشیدند، متأسفانه امروز به این بیماری مبتلا شده اند.

رگه های درشت «مارکسیزم» تفننی در افغانستان را می توان در بدنه «سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان»، «چپ رادیکال افغانستان»، «جمعی از فعالین مارکسیست» و «اتحاد فعالین سوسیالیست افغانستان» دید که همه به نحوی از یک جا آب می خورند. این رگه ها که با افکار شبه تروتسکیستی و بعضاً با افکار عمیقاً تروتسکیستی پیوند دارند، علناً کاپی هو به هوی «حکمتیزم» ایران در افغانستان است. اما آنچه بسیار دردناک است، تمکین و دلسوزی پنهان «سوسیالیزم کارگری» (مارکسیزم تفننی) به اشغال و اشغالگران است.

«سوسیالیزم کارگری» ما در اروپای شمالی شکل گرفته است. «سوسیالیست های کارگری افغانستان» به دور از کارگران و ستمدیدگان زحمتکش افغانستان تشکیل ساخته اند؛ سالهای سال در آنجا مانده و هنوز این زحمت را به خود

نداده تا بیابند و در کنار کارگران افغانستان برزمند. ما در داخل افغانستان پس از ایجاد «گروه پیشگام افغانستان» با نظریات «سوسیالیسم کارگری» به شکل مدون و کتبی روبه رو شدیم. در ماه سرطان ۱۳۸۶، رساله «سه بیماری چپ های اتوپست» از آدرس «چپ رادیکال افغانستان و جمعی از فعالین مارکسیست» در اختیار ما قرار گرفت که ضمن نقد رساله «افغانستان الگوی دموکراسی امریکائی» و مرامنامه «سازمان روشنگران افغانستان»، «گروه پیشگام افغانستان» (تشکیلات ماقبل سازمان انقلابی افغانستان) را نیز در سه عرصه به نقد گرفته بود.

«گروه پیشگام افغانستان» در رساله «مکتبی بر دو بیماری یک دگماتیست» به نقد رساله «سه بیماری چپ های اتوپست» پرداخت، ولی متأسفانه تا امروز پاسخ آن را - نه از آدرس «چپ رادیکال افغانستان» و نه هم «جمعی از فعالین مارکسیست» - به دست آورده توانستیم؛ عکس آن نوشته های «نقد چپ از موضع طبقه کارگر» (به قلم ناصر که به طور رسمی در وب سایت «سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان» نشر شده)، «پلاتفرم گفتمان»، «انباشت سرمایه، انباشت فقر و بردگی طبقه کارگر» و در این اواخر «دموکراسی عصر امپریالیسم» (از اتحاد فعالین سوسیالیست افغانستان) به دست ما رسید که مفاد این نوشته ها تکرار همان «سه بیماری چپ های اتوپست» است.

سازمان انقلابی افغانستان تصمیم نداشت که با «اتحاد فعالین سوسیالیست افغانستان» دوباره به بحث بنشیند، زیرا موارد مهم اختلاف میان ما قبلاً بیرون نویس شده که بر بنیاد آن هر کدام ما به دو راه جداگانه می رویم: راه مارکسیسم خلاق (مارکسیسم - لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون) و راه «مارکسیسم» دگم و انتزاعی و تفننی («سوسیالیسم کارگری»). ما به مارکسیسم خلاق باور داریم، مارکسیسمی که همگام با شرایط ملی کشور ما به پیش رود، به مبارزه علیه امپریالیسم و استقلال ملی یاری رساند، به دموکراتیزم کمک کند، مبارزه طبقاتی را برای رهایی و آزادی کارگران و ستمدیدگان تقویه نموده، راه را برای سوسیالیسم هموار و پرولتاریا را در رسیدن به جامعه سوسیالیستی کمک نماید.

مارکسیسم، علم رهایی طبقه کارگر و تمام بشریت است، به شرطی که از حالت دگم و کتابی بیرون شده، با شرایط عینی تطبیق گردیده، خلاقانه عملی شود و با تفنن روشنفکران آلوده نگردد. «مارکسیسم» دگم، انتزاعی و تفننی به هر اندازه ای که با چاشنی اصطلاحات مارکسیستی و با نام های مارکس، انگلس و لنین و نقل قول و کتاب های کلاسیکران مارکسیسم گره و پیوند زده شود، به درد رهایی طبقه کارگر نمی خورد و منجی بشریت از ستم و بربریت شده نمی تواند. «مارکسیسم» دگم، متحرک نیست، پویا نیست، خلاق نیست؛ پرولتاریا و ستمدیدگان را به جای مبارزه فعال و دینامیک به رخوت و حاشیه می کشاند؛ چنین مارکسیسمی هر چه بوده می تواند، جز علم رهایی پرولتاریا و ستمدیدگان. «اتحاد فعالین سوسیالیست افغانستان» در سرطان ۱۳۹۴ «پلاتفرم گفتمان» را نشر نموده که هدف از نشر آن «به بحث گذاشتن اختلاف است» و مستقیماً از رفقای ما اینجا و آنجا خواسته تا پاسخی به این فراخوان بدهیم، لذا ناگزیر شدیم برای دومین بار به پاسخ «سوسیالیسم کارگری» پردازیم.

چنانچه در فوق گفتیم، ما به دو راه جداگانه می رویم: راه ما، مارکسیسم - لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون است و راه «سوسیالیسم کارگری»، «مارکسیسم» تفننی که تحت پرچم تقلبی تیوری های مارکس، انگلس و لنین برگزیده شده است. برای این که بهتر بتوانیم پرچم تقلبی «سوسیالیسم کارگری» را پائین بکشیم، ناگزیر هستیم این نقد را در پرتو مارکسیسم - لنینیزم تهیه کنیم و نشان دهیم که اندیشه مائوتسه دون، مارکسیسم خلاق است که پرولتاریا و توده های ستمدیده چینی را به سوسیالیسم رساند و مغایرتی با تیوری های مارکس، انگلس، لنین و ستالین ندارد.

به نظر ما موضوعات مهمی که در نوشته های «سوسیالیسم کارگری» درج شده، عبارتند از: میهن و میهن دوستی، استقلال و مبارزه رهاییبخش ملی، انقلاب دموکراتیک، پرولتاریا و دهقانان و پرولتاریا و بورژوازی ملی. ما تلاش می کنیم با مرور نوشته های این جمع، به موضوعات فوق الذکر پاسخ دهیم. رفقای ما به جای بحث های «سکاپی» و

«پالتاکی» و جرگه شدن روشنفکران در یک خانه برای «آموزش» و بدون رعایت پنهانکاری و تن دادن به لیبرالیزم «سوسیالیزم کارگری»، راه درست را در مرزبندی مجدد اختلافات ما با «سوسیالیزم کارگری» تشخیص نموده اند که این رساله برای مرزبندی بخش مهم این اختلاف ها به رشته تحریر درآمده است. یادآوری می کنیم که ما نمی خواستیم این نوشته پر از نقل قول شود، اما برای وضاحت بیشتر چاره ای جز این نداشتیم.

ادامه دارد.